

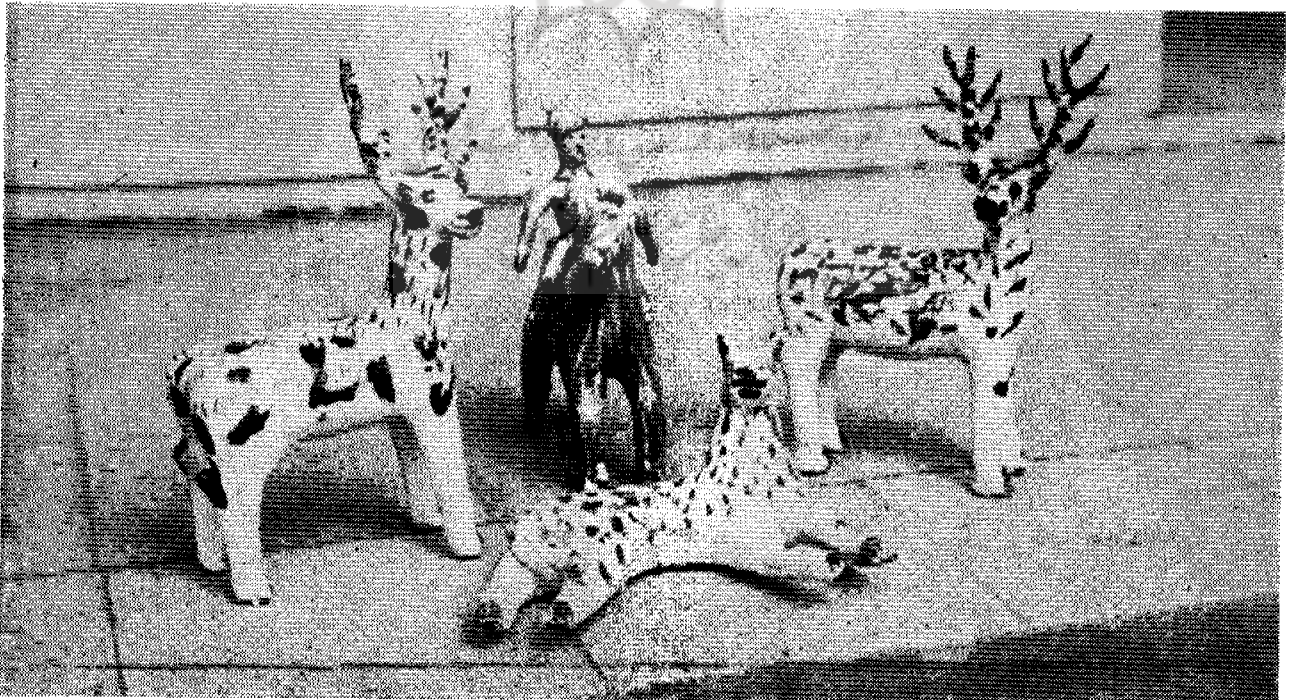
سفالگری بخش زنوز

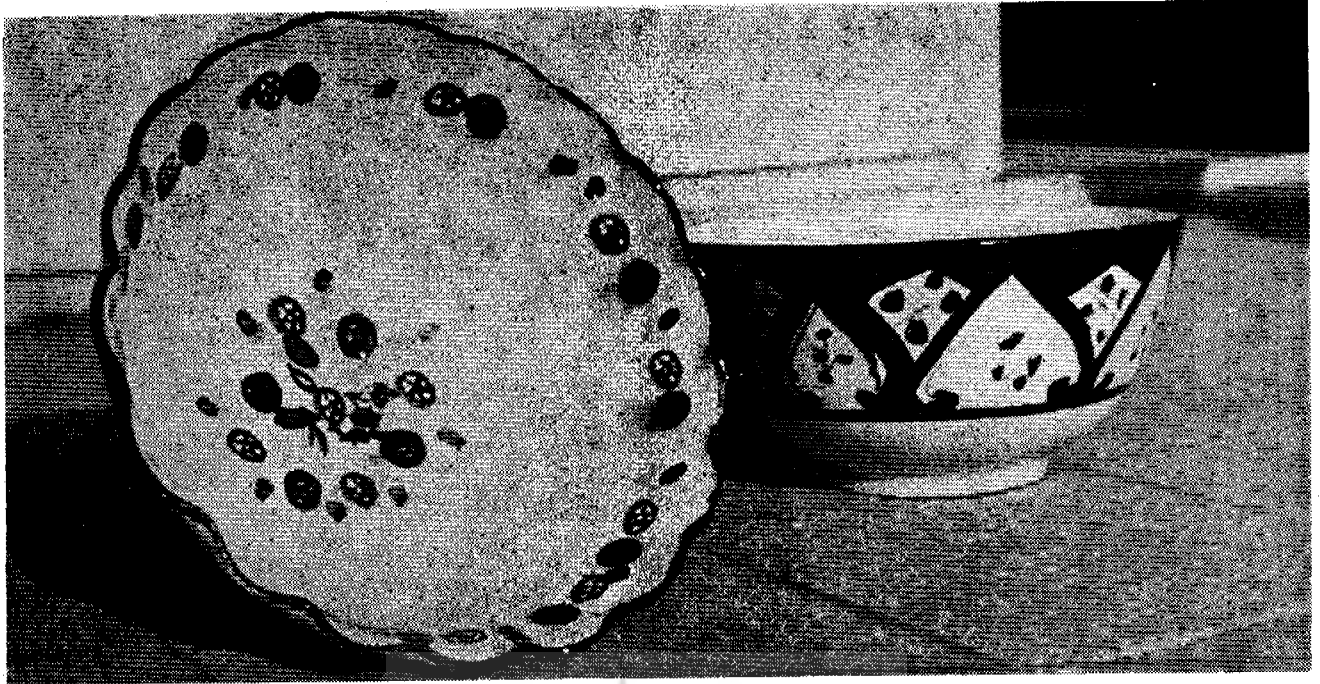
مصطفی صدیق
مرکز مردم‌شناسی ایران

تا چند سال پیش در این بخش در حدود ۲۰ کارگاه سفالسازی بود ولی در سالهای اخیر، بخاطر وجود و رواج استعمال ظروف پلاستیک و ملامین، رقابت کارخانجات چینی‌سازی و سرعت عمل آنها در بازده کار، و دور بودن از مرکز شهر، کوچ اهالی به شهرهای بزرگتر برای کسب مشاغل پردرآمد، بی‌توجهی به هنر دستی سفالسازی سنتی و کمبود درآمد و کار زیاد از جمله عواملی است که باعث بسته شدن کارگاههای سفالگری و از میان رفتن شیوه سنتی این هنر و هم چنین هنرمندانش شده است.

بخش «زنوز» در ۲۴ کیلومتری شهرستان «مرند» و ۲ کیلومتری شوسه و خط آهن جلفا و مرند در جلگه‌ای روی بلندی قرار دارد، جمعیت ده بیش از ۴۰۰ خانوار است که همگی شیعه مذهب‌اند. و به زبان آذری سخن می‌گویند، شغل عمده ساکنان آنجا زراعت و گلهداریست. محصولات زراعیشان علاوه بر غلات و حبوبات، عمدتاً انواع میوه‌ها و خصوصاً سیب و قیسی است. معدن خاک سفیدی که در مجاورت بخش قرار دارد امکان سفالگری را برای «زنوز» بوجود آورده است که از نظر اقتصادی دارای اهمیت است.

چهار نمونه از تندیسک جانوران و تندیسکی از انسان سوارکار





دو نمونه از ظروف سفالین منقوش زنوز

استاد صادق کاشی زنوزی در حین ساختن تندیسک حیوان (فوج)
با گِل خام

مثلاً: در توزیع این ظروف و عرضه این کالا در بازار، برای صاحبان کارگاههای سفالگری بخش «زنوز» مشکل بزرگی بوجود آمده است. هر سفالگر ناچار است برای فروش محصولات خود و عرضه آنها به بازارهای شهری، هر هفته یا هر ۱۰ روز یکبار، ظرفهای خود را با الاغ یا گاری یا وانت به شهر ببرد و چند روزی در آنجا معطل بماند تا بصورت نقد یا نسیه به دکاندارها بفروشد و به محل بازگردد. واضح است که این سفالگران برای اقامت در شهر متحمل مخارجی میشوند و نیز از کار در کارگاه خود محروم میمانند، به این لحاظ، بین آنها برای زودتر فروختن سفالها، رقابتی وجود دارد که منجر به کاهش قیمت فروش میشود. اکثر سفالگران کارگاهشان را بسته و به کارهایی دیگر، از جمله بکشاوزی و باغداری رو کرده اند. کاهش کارگاههای سفالگری در «زنوز» امروزه به وضوح بیچشم میخورد زیرا که تعداد آنها طی ۲۰ سال اخیر از بیست کارگاه به ۵ کارگاه تنزل کرده که با از بین رفتن آخرین نسل این رشته هنری نیز همه آنچه در اثر تجربه سالیان بسیار دراز بدست آمده بود در این بخش بفراموشی سپرده میشود. در این کارگاهها ظروف و اشیاء سفالینی که ساخته و پرداخته میشوند به این شرح اند:

کوزه آب، نعلبکی، فنجان چایخوری، لیوان
آبخوری، گلدان، پیشدستی کامل، دیس پلوخوری،



سوپخوری ، خورشت خوری ، مرباخوری ، ظروف میوه ، قندان ، نمکدان ، جای تخم مرغ ، زیرسیگاری ، کوزه شرابخوری و نیز تندیس حیواناتی مانند : قوچ ، گوزن ، آهو ، اسب ، شتر ، مرغ ، پلنگ ، سگ ، کبوتر ، و همچنین مجسمه‌های کوچکی از انسان سوارکار . این سفالینه‌ها عموماً به بازارهای خوی ، مرند ، ماکو ، رضائیه ، تبریز و تهران صادر میشود . اهالی «زنوز» نیز خود به حد فوق‌العاده از ظروف سفالین استفاده میکنند . سفالینه‌هایی را هم که مانند مرد شکارچی ، آهو ، پلنگ ، باغ وحش ، زیرسیگاری جنبه تزئینی و نمایشی دارد ، میتوان در خانه‌هاشان یافت .
چگونگی تهیه :

اشیاء سفالین ، غالباً دارای لعاب میباشند . دراینصورت هر سفالینه‌یی شامل دو قسمت است ، یکی قسمت اصلی شیئی که سفالگران آنرا «بدنه» مینامند ، دیگری قسمت پوشش و جلای روی بدنه که گذشته از جنبه زینتی باعث میشود که بدنه نفوذناپذیر شود و آنرا «لعاب» مینامند .

الف - بدنه : درهرمحل با توجه به شرایط اقلیمی ، نوع مواد اولیه تفاوت میکند . در سفالگری «زنوز» ماده اساسی بدنه سفال از خاک سفیدیست که از کوه‌های «بیلولوخ» Bilulux واقع در یک فرسنگی شرق بخش بدست میآید . کسانی که این خاکها را از کوه به کارگاه میآوردند عموماً سفالگر نیستند . این اشخاص مردانی از همان بخش «زنوز» هستند که الاغ یا شتر دارند و به این وسیله خاک مطلوب سفالگران را از کوه به کارگاههاشان میبرند و به ازاء هر پانزده کیلو خاک ۳۰ ریال اجرت میگیرند . این خاکها وقتی که به کارگاه حمل میشود بصورت کلوخه‌هایی است که باید در کارگاه کوفته شود تا پس از آمیختن با آب برای ورز دادن مناسب شود .

برای این منظور یکی از کارگران سفالگر ، کلوخه‌ها را با چکش خرد کرده داخل نوعی آسیای موتوری کوچک میریزد که با برق کار میکند . در آنجا کلوخه‌ها به پودر سفید تبدیل میشوند و از آسیا بیرون میریزند ، هر صد کیلو پودر سفید را باده کیلو پودر شیشه که آنرا «ورکش» Varkes می‌نامند قاطی میکنند ، سفالگران برای تهیه «ورکش» بطریهای خالی شده را از دوره گردانی که آنها را از کوچه و محله‌های شهر بدست میآوردند میخرند . آنها این بطریها و شیشه شکسته‌ها را پس از آن ، در حوضچه کوچکی ، روی سنگی چهار گوش با سنگ خرد میکنند ، سپس آنها را الک کرده و در آسیای دستی بزرگی میریزند . در این آسیا ، شیشه‌ها بشکل خرده‌های برنج در میآید و در سطلی جمع میشود ، وقتی نخستین مرحله خرد کردن شیشه پایان رسید . دوباره شیشه‌های خرد شده را در آسیای سنگی دیگری که کوچکتر است میریزند ، این بار

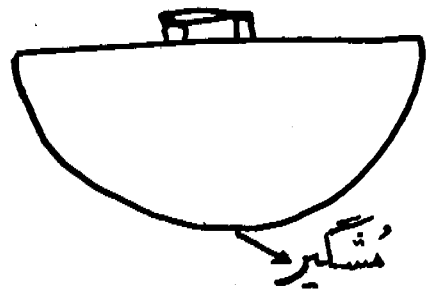
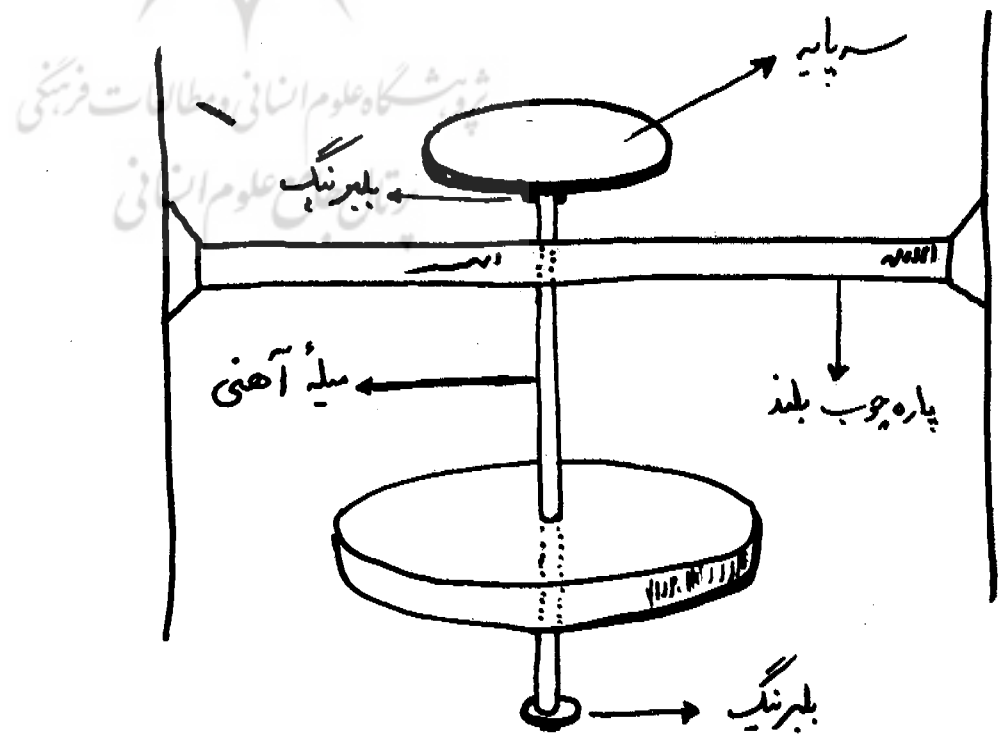
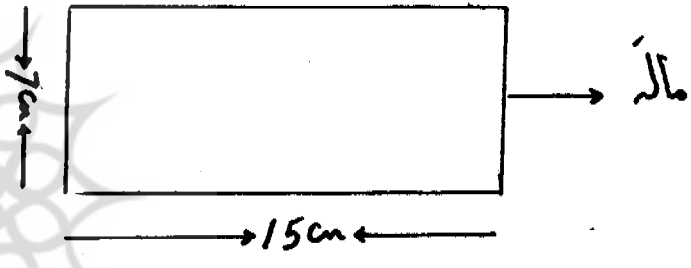
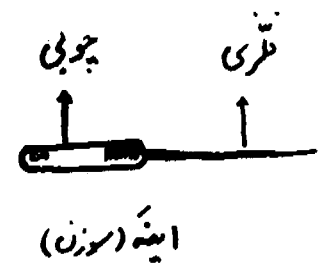
برای آن مقدار از شیشه‌های خرد شده‌یی که هر بار داخل آسیا ریخته میشود ، یک استکان آب می‌افزایند تا پودر شیشه ، بشکل خمیر از آسیا بیرون بریزد ، خمیر شیشه در سطلی گرد می‌آید و برای استفاده درجایی ذخیره میشود .

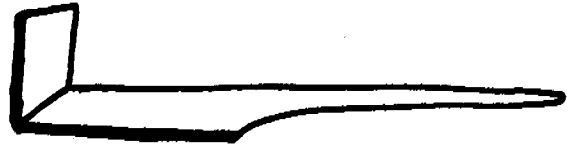
ب - لعاب سفید : «لعاب سفید» از معمولی‌ترین انواع لعابهاست . در ضمن اساس لعابهای دیگر نیز هست که از ترکیب قلع ، سرب ، پودر شیشه و جوش شیرین تهیه میشود . لعاب نه تنها برای زینت سفال بکار میرود بلکه موجب نفوذناپذیری آنها نیز میگردد . سفالگران «زنوز» هنگامی که ظرفهای دلخواه را بدست آوردند ، پس از اینکه آنها را مدتی در هوای آزاد گذاردند ، روی ظروف را با قلم مونه‌قاشی میکنند ، این بار وقتی ظرف رنگ را بخود گرفت و خشک شد آنرا در مایع «لعاب سفید» فرو میبرند ، اندکی درنگ کرده تا سفال لعاب را بخود بگیرد و هنگام پخت برنگ سفید درآید .
گلساز

در هر کارگاه ، یکی از سفالگران که در ورز دادن گل و بعمل آوردن آن مهارت و تخصص دارد «گلساز» نامیده میشود . گلساز چانه‌های گل را برای استادکار آماده میکند . نخست صد کیلو پودر خاک سفید را با ده کیلو خمیر شیشه و

یکی از بانوان بخش زنوز در حال نقش‌ونگاری ، بر روی ظرفی سفالین دیده می‌شود







کارناش

آب قاطی کرده، آنرا در میان حوضچه چوبی بنام «دزگاه» "Dazgâh" بمدت ۳ ساعت ورز میدهد. سپس آنرا روی پارچه‌ای سفید ریخته، با پای خود آنقدر میمالد تا خمیر بعمل بیاید. آنگاه گلساز از خمیر مزبور چانه‌هایی برمی‌دارد و بشکل کله قند درآورده و روی میز کار استاد کار میگذارد.

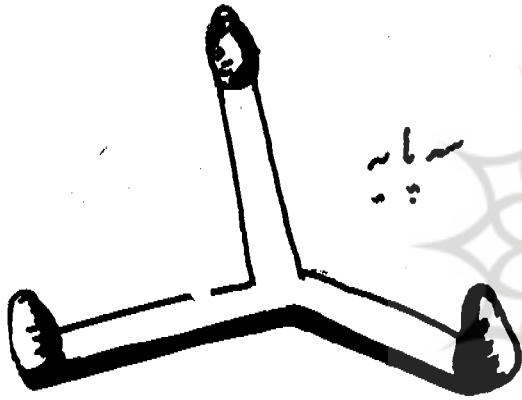
چرخ استاد کار:

استاد چانه را روی دایره چوبی بشکل سنگ آسیاب طبق «طرح متن» که بر روی میله آهن بلندی قرار گرفته میگذارد سپس از زیر، با پای راست، تخته مدور پائینی را بحرکت درمی‌آورد و با کمک دست و آب زدن مرتب به چانه گیل به آن فرم میدهد. چرخ استاد کار شامل دو دایره چوبی بشکل سنگ آسیاب است که به کمک یک میله آهنی بهم وصل شده‌است. دوچوب مدور که در هر یک بلبرینگی از زیر برای چرخش تخته‌ها و سرعت عمل، کار گذاشته شده که استاد بتواند با زدن‌های مکرر پا بر تخته مدور زیرین، چوب مدور بالا را که «سه‌پایه» نام دارد به گردش درآورد. استاد کار میتواند پس از گذاشتن چانه گیل بر روی سه‌پایه، آنقدر حرکت دهد تا شکل اصلی هر نوع ظرف اعم از کاسه، گلدان، دیس، کوزه، استکان، نعلبکی، دراندازه‌های مختلف ساخته شود. طی سالهای اخیر، ماشینهای پایی، به برقی تبدیل شده و کار را آسان و تولید را بیشتر کرده است و اثر مهمی در پیشرفت کار و زندگی آنان گذاشته است.

ابزار کار استاد:

- ۱ - مشگیر "Mosgir"، «اینه» "Mâla" «ماله» "Ina"
 - ۱ - مشگیر، خاک رس پخته‌ایست بشکل بیضی و جادستی مستطیلی نیز در میانش دارد که برای صافکاری داخل سفالها درست شده است.
 - ۲ - ماله: صفحه‌ایست به شکل مستطیل از جنس مس، بطول ۱۵ سانتیمتر با عرض ۷ سانت که کار آن تراش دادن سفالهاست.
 - ۳ - اینه: ابزاریست از آهن و چوب که دسته‌ای به درازای ۲۵ سانتیمتر دارد و در میانش میله‌ای آهنی نازکی به شکل سوزن کار گذاشته‌اند، کار سوزن فقط جدا کردن ظروف درست شده از گل چانه‌ای میباشد.

از هر چانه‌ای که «گلساز» برای استاد کار تهیه میکند، ممکن است ۱۵ نعلبکی یا ده پیاله پنج کاسه و یا یک کاسه‌ی بزرگ درآید. بنابراین میتوان از یک چانه‌ی گل، اشکال مختلفی (بسته به بزرگی و کوچکی آنها) از ظروف سفالین بوجود آورد، بغیر از اینکه استاد، با چرخ و پا و دست، با ابزارهایش به سفالها فرم می‌بخشد با دستهایش نیز اشکال گوناگون حیواناتی از قبیل قوچ، گوزن، اسب، شتر، مجسمه‌ی انسان، مرغ، خروس و سنگ با چانه‌ی گلی میسازد. هنگامی که ظروف سفالی زیر دست استاد ساخته و پرداخته شد، چند دقیقه روی میز تخته‌ای میماند تا اندکی خود را بگیرد، آنگاه به دست «تراشکار» میرسد. تراشکار با ابزاری بنام «کارناش»^۱ بوسیله‌ی چرخ پایی که در جلوی خود دارد، با پای راست به سرعت سفال را روی تخته می‌چرخاند و در اثر چرخیدن، با «کارناش» آخرین تراش سفال را میدهد تا ظریف درآید.



ساختمان کوره

کوره دوطبقة بنا شده است که سقف طبقه‌ی زیرین تقریباً مخروطی شکل، و گرداگرد آن از پائین تا سقف، پله مانند است، که از گل رس ساخته‌اند، و روی هر یک از پله‌ها چهار ظرف سفالی جای میگیرد. طبقه‌ی زیر، بوسیله‌ی موتور «فارسونکا» و با نفت سفید روشن میشود که حرارت آتش را در میان کوره پخش میکند، در میان پله‌ها، سه‌پایه‌هایی از خاک رس پخته گذاشته‌اند، که داخل هر یک از سه‌پایه‌ها، فقط یک ظرف جای میگیرد تا ظرفها بیکدیگر نچسبند، و حرارت بیشتری گرفته، سریع بپزند، دهانه‌ی سقف طبقه‌ی زیرین (گرمخانه) را، به اندازه ۶۰×۶۰ سانتیمتر ورقه‌ی آهنی دریچه‌مانند، کار گذاشته‌اند، و از این دریچه، اشیاء سفالین را بوسیله کارگران، از نزدیک به پائین (محل اصلی کوره) حمل مینمایند. چهار سوراخ گیرد، در چهار گوشه‌ی

سقف زیرین وجود دارد که بوسیله‌ی گرمای آنها، که از محل اصلی کوره می‌آید، ظروف خام در آنجا خشک میشود.

سفالها در طبقه‌ی زیر، (محل اصلی کوره) بمدت ۸ الی ۱۰ ساعت (در ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ درجه) برای آخرین مراحل پخت میماند و پس از آن، موتور را خاموش کرده، سفالها را بمدت چند ساعت در کوره بحال خود می‌گذارند تا خنک شود. گنجایش طبقه محل اصلی کوره به قدر هزار ظرف سفالی است. در مورد ایجاد حرارت یکنواخت در کوره و نیز تزیین سفال دقت زیادی بعمل می‌آید.

کارگاه سفالگری

در کارگاه چندین نفر مشغول فعالیت هستند. بطور کلی در ساختن ظروف سفالین موارد زیر اعمال می‌گردد:

ساختن گل (ورز دادن)، شکل بخشیدن به گل (استاد میتواند به کمک دست، به گل شکل دلخواه ببخشد، معمولاً یکدست از داخل و دست دیگر از خارج کار میکند و بهمین دلیل استادکار، ضخامت ظرف را می‌سنجد)، تراش دادن ظرفهای سفالین خام، لعاب برای ظرفها، نقاشی بر روی کلیه سفالهای تهیه شده و همچنین روشن کردن موتور کوره.

در این کارگاه همکاری زن، مرد کودک و جوان با استادکار بخوبی پیدا است. اما در واقع میتوان دریافت که رکن اصلی کارگاه سفالگری همان استادکار است.

رنگ آمیزی سفال:

اصولاً رنگ آمیزی و نقش کلیه سفالها در کارگاههای زنوز به عهده دختران و زنان است^۳ و آنان بر روی سفالهایی که از بردست «استاد» و «تراشکار» درمی‌آید، اشکال زیبایی با قلم مو و رنگ می‌نگارند. دختران و زنان در ترکیب رنگ و کشیدن گلهای با قلم مو، بقدری مهارت دارند که گویی

هزاران سال در این رشته کار کرده‌اند.

رنگ سفالها:

رنگ سفالها عبارتند از: قرمز، سبز، آبی، بنفش، زرد، لاجوردی، خاکستری و قهوه‌ای سیاه.

اجرت:

- ۱ - مزد استادکار در هشت ساعت برای ۵۰۰ سفال (درواقع برای پخت يك کوره پسر) ۹۰ تومانست.
- ۲ - تراشکار در هشت ساعت، برای تراشیدن ۵۰۰ سفال در اندازه‌های مختلف ۱۴ تومان اجرت میگیرد.
- ۳ - آسیابان، در چهار ساعت برای خرد کردن شیشه و تبدیل آن به (لعاب) ۱۲ تومان اجرت میگیرد.
- ۴ - باربر برای ۱۵ کیلو گل سفید ۲۰ ریال اجرت میگیرد.
- ۵ - برای خرید ده کیلو شیشه بطری ۴۰ ریال پول میدهند.

۱ - کارناش = افزاریست آهنی و تخت بهدرازای ۱۵ سانتیمتر و بهنای آن (در بهترین بخش) ۳ سانتیمتر و مانند میخ سرکج (میخ طولیله) است. این افزار را در تراش دادن سفالینه بکار می‌برند (نگاه کنید به طرح شماره ۶).

۲ - از سال ۲۵۳۳ به بعد کارشناسان مرکز صنایع دستی وزارت اقتصاد، همراه کلاسی ترتیب داده که در دادن طرح و رنگهای نو و راهنمایی‌های فنی، کارگاههای سفالگری این بخش را یاری میکنند. بنظر میرسد اگر دستگاههای مربوط از لحاظ مالی نیز این عده را کمک کرده تا آنها بتوانند تهیه ظروف سفالین را از لحاظ کمی و کیفی توسعه دهند، یقیناً میتوانند سالانه مقدار قابل توجهی به شهرهای دیگر صادر کنند و از این طریق، آنها نیز با اقتصاد و محیط خود کمکی کرده، در آن سهمی داشته باشند.

۳ - مثلاً در یکی از کارگاههای سفالگری «زنوز» که مورد بررسی نگارنده است، رنگ آمیزی و نقش و نگار بر روی سفالها به عهده زنی بنام «طیبه ابراجی» بود.

